

پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان (علمی - تخصصی)

سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲

صص: ۱۲۵-۱۴۷

سیر تحولات در قرآن پژوهی حوزه آلمانی زبان با تأکید بر تفسیر سوره بقره اثر برترام اشمیتس

حیدر عیوضی^۱

چکیده

قرآن پژوهی در حوزه کشورهای آلمانی زبان از سده شانزدهم تا دوران معاصر سیر تحول داشته است. به نظر می‌رسد برای این موضوع می‌توان چهار نقطه عطف را ترسیم کرد: عصر اصلاحات، دوره رمانتیسسم، مواجهه جدلی و آغاز رویکرد همدلانه به قرآن. با بررسی‌های به عمل آمده این فرضیه شکل گرفت که ترجمه قرآن از زبان اصلی، عربی تأثیر مستقیم در شکل‌گیری رویکرد همدلانه به قرآن در دوره معاصر داشته است. اگر پیش‌تر قرآن با عنوان کتاب مقدس ترک‌ها یا کتاب قانون ترک‌ها از زبان‌های واسطه‌ای ترجمه می‌شد، یا نویسندگانی چون هیرشفلید و کارل آرنس داده‌های قرآنی را اقتباسی ناهمگون از کتاب مقدس می‌شمردند، در رویکرد نوین تلاش می‌شود قرآن به مثابه یک میراث مشترک در ادیان ابراهیمی فهم و تفسیر شود. در مقاله حاضر، بر اساس روش تحقیق کتابخانه‌ای، پس از مروری بر این سیر تحول، در رابطه با دستاوردهای رویکرد اخیر، به عنوان مطالعه موردی به بررسی تفسیر سوره بقره اثر برترام اشمیتس می‌پردازیم که نویسنده آن سوره بقره را از نگاه بینامتنیت «تورات ثانی» تلقی می‌کند.

واژگان کلیدی: قرآن پژوهان آلمانی زبان، ترجمه‌های آلمانی قرآن، سوره بقره، برترام اشمیتس.

۱. مقدمه

نگارنده مقاله حاضر پس از ملاحظه منابع متعدد قرآن پژوهی به زبان آلمانی، از میانه‌های قرن شانزده تا دوره معاصر، معتقد است این موضوع سیر تحولی را پیموده که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را در چهار دوره دسته‌بندی کرد: نخست، جریانی که هم‌زمان با عصر اصلاحات در اروپا شکل گرفت و بیشتر با ترجمه قرآن و تصحیح تک‌نگاشته‌های جدلی بازمانده از قرون وسطی همراه بود. بی‌شک تحولات در صنعت چاپ عامل در این دوره نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه این جریان داشت. جریان دوم با دوره رمانتیسم آلمانی^۱ همراه بوده است. مواجهه جدلی با پیش‌فرض‌های یهودی-مسیحی سومین جریانی بود که در سده‌های نوزده و بیست دوباره با ظاهری آراسته‌تر شکل گرفت. سرانجام تلاش برای فهم قرآن به مثابه یک میراث مشترک در ادیان ابراهیمی در قرن حاضر. پرواضح است که زمان‌بندی دوره‌های مذکور به جهت ترسیم یک تصویر نسبتاً جامع و ناظر به جریان غالب است. از این رو، رویکردهای دوم و سوم نیز در عصر حاضر پیروانی دارند.

در مورد پیشینه این موضوع باید توجه داشت که مطالعات انجام‌شده در قرآن پژوهی در حوزه آلمانی‌زبان عمدتاً ناظر به بررسی موردی ترجمه‌های قرآن یا دوره تاریخی معین است، اما سیر تحول به مثابه یک مسئله مطرح نبوده است؛ با وجود، این تا جایی که اطلاع داریم، در بخش‌هایی از منابعی که در ذیل آمده تا حدودی و به طور پراکنده مطالبی درباره موضوع مقاله حاضر به چشم می‌خورد که عبارت‌اند از:

۱. «قرآن در عصر اصلاح‌طلبی و نواندیشی»، مرتضی کریمی نیا، **ترجمان وحی**، سال

1. Deutsche Romantik;

در رابطه با برخی چهره‌های شاخص، رویکرد و ویژگی‌های این دوره ر.ک: ابوالقاسم ذاکرزاده، «دوره رمانتیک در آلمان»، پژوهشنامه علوم انسانی، بهار ۱۳۸۲، ش ۳۷، ص ۳۶-۱۳.

ششم ۱۳۸۱، ش ۱، ص ۸۳.۷۴.

۲. «نتایج توجه و اهتمام خاورشناسان آلمانی به قرآن کریم»، احمد محمود هدی،

ترجمه مرتضی حسینی فاضل، اندیشه صادق، ش ۱۵، تابستان ۱۳۸۳، ص ۳۹.۲۶؛

۳. «مطالعات قرآنی در آلمان: انگیزه‌ها و دستاوردها»، احمد محمود هدی، ترجمه سعید

زعفرانی‌زاده، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۵.۲۲؛

۴. «نقش پیش‌فرض‌های عقیدتی در ترجمه آلمانی قرآن ماکس هنینگ»، فرح

نارنجی و محمدحسین حدادی، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های

خارجی، دوره دوم، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۹۷ تا ۱۱۰.

5. Glabensbuch und Weltliteratur: Koranübersetzungen in Deutschland von der

Reformationszeit bis heute, Hartmut Bobzin & Peter M. Kleine, Arnsberg, 2007.

۶. کتاب دینی و ادبیات جهان: ترجمه‌های قرآن در آلمان از دوره اصلاحات تا

امروز، هارتموت بوبزین، ۲۰۰۷ م.

در ادامه، پس از نگاهی به نقاط عطف در قرآن‌پژوهی حوزه آلمانی‌زبان در چهار

محور، به بررسی تفسیر سوره بقره اثر برترام اشمیتس خواهیم پرداخت. در این مقاله

برای نخستین بار برخی ترجمه‌های کمتر شناخته‌شده آلمانی نیز موضوع بررسی قرار

گرفته و در ضمن آن برخی بایسته‌های پژوهشی برای جامعه علمی معرفی شده‌اند.

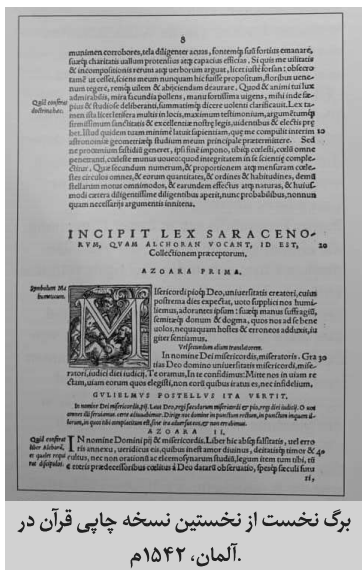
۲. نقاط عطف در قرآن‌پژوهی آلمان

چنین می‌نماید که قرآن‌پژوهی در حوزه کشورهای آلمانی‌زبان در فاصله پنج قرن

شانزده تا بیستم چهار نقطه عطف داشته است.

۱.۲. عصر اصلاحات: نخستین چاپ قرآن

با نخستین چاپ قرآن در سال ۱۵۴۲/۳م در شهر بازل، مطالعات اسلامی و به طور خاص قرآن پژوهی، به یکی از موضوعات گسترده در اروپا به طور خاص حوزه آلمانی زبان تبدیل شد. البته این نسخه نه به زبان آلمانی، بلکه به لاتین و با مقدمه مارتین لوتر^۱ منتشر می‌شد. این ترجمه لاتینی قرآن به همراه چند رساله درباره پیامبر اسلام و رده‌هایی مسیحی بر آیین اسلام در مجموعه‌ای به نام «مجموعه طَلِیْطَلَه» قرار داشت که حدود چهار قرن (از



برگ نخست از نخستین نسخه چاپی قرآن در آلمان، ۱۵۴۲م

میان‌های قرن دوازدهم) به صورت دست‌نویس باقی مانده بود. نسخه‌ای که لوتر به آن دست یافته بود، ترجمه‌ای بود که به دستور پیتر مقدس^۲، رئیس دیر کلونی در فرانسه (متوفی ۱۱۵۶م.) و به قلم روبرت کتونی^۳ در اسپانیا انجام گرفته بود. پرفسور هارتموت بوبزین^۴ در کتاب **عصر اصلاحات**^۵ در رابطه با اهمیت مجموعه طلیطله و نقش آن به عنوان مهم‌ترین منبع مارتین لوتر از اسلام به تفصیل سخن گفته است (Bobzin, 1995: 13-50).

1. Martin Luther, 1483–1546.

2. Peter the Venerable.

3. Robert von ketton.

4. Hartmut Bobzin, 1946.

5. Der Koran im Zeitalter der Reformation: Studien zur Frhgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europa, 1995;

ترجمه کامل عنوان کتاب: قرآن در عصر اصلاحات: مطالعاتی درباره تاریخ اولیه مطالعات عربی و اسلامی در اروپا.

۱۶۱۶م ترجمه‌های قرآن به آلمانی منتشر شد. برخی از این ترجمه‌ها عبارت‌اند از:

۱. **قرآن ترک‌ها، دین و خرافات** (Der Türken Alkoran, Religion und Aberglauben)،

اثر سالمون شوایگر^۱؛ این ترجمه برای نخستین بار در سال ۱۶۱۶م منتشر شد و در سال ۱۶۲۳ تجدید چاپ شد، سپس در ۱۶۴۱ مبنای یک ترجمه هلندی شد. ناگفته نماند که ترجمه شوایگر بر اساس ترجمه ایتالیایی آندرئا آژیواینه^۲ بود و نه مستقیماً از عربی.

۲. **کتاب جامع قانون ترک‌ها** (Vollständiges Türkisches Gesetz-Buch) اثر ابرهارد

ورنل هاپل^۳ که در سال ۱۶۸۸م منتشر شد که بر اساس یک ترجمه فرانسوی بود.

۳. **قانون ترک‌ها یا قرآن محمد** [ص] (Ko-Mahomets oder Gesetze türkischen Die)

اثر دیوید نرتز^۴. انتشار این ترجمه در ۱۷۰۳م بود. نام پیامبر اسلام که به صورت Mahomet ثبت شده بر اساس شیوه غالب ضبط این نام در ترجمه لاتینی قرآن و آثار جدلی بوده است.

۴. **القرآن یا مجموعه موسوم به قرآن محمد** [ص] (Der Koran, Oder insgemein so)

(genannte Alcoran des Mohammeds)، ترجمه تئودور آرنولد^۵ که به سال ۱۷۴۶م منتشر شد. اثر آرنولد نیز به واسطه یک ترجمه انگلیسی بوده، البته مترجم نکات تفسیری و توضیحی بدان افزوده است.

۵. **قرآن یا کتاب مقدس ترک‌ها** (Koran der oder ,Bibel türkische Die) اثر دیوید

1. Salomon Schweigger (1551– 1622).

2. Andrea Arrivabene.

3. Eberhard Werner Happel (1647– 1690).

4. David Nerretter (1649– 1726).

5. Theodor Arnold (1683– 1771).

فردریش مگرلین^۱. ترجمه مگرلین که در سال ۱۷۷۲م. منتشر شد؛ ترجمه وی نخستین ترجمه مستقیم از عربی در میان ترجمه‌های آلمانی قرآن است.

استفاده از تعبیری چون کتاب مقدس ترک‌ها، انجیل ترکان، کتاب قانون ترک‌ها در ترجمه‌های آلمانی قرآن تحت تأثیر اختلاف‌ها و جنگ‌های میان امپراتوری عثمانی (۱۲۹۹-۱۹۲۲م.) و غرب به‌ویژه دولت پروس بوده است. به طوری که در قرن ۱۶ میلادی که اوج قدرت عثمانی بود، قلمرو آنها تا پشت دروازه شهر وین رسیده بود. همین‌طور باید در نظر داشت که عموم این ترجمه‌ها، جز اثر مگرلین، از زبان‌های واسطه‌ای بوده‌اند.

۲،۲. دوره رمانتیسیم: رویکرد ادبی به قرآن

از شخصیت‌های تأثیرگذار بر جنبش ادبی رمانتیسیم، فردریش روکرت^۲ شاعر مشهور آلمانی است. وی در فاصله سال‌های ۱۸۴۱ تا ۱۸۴۸ در دانشگاه برلین به تدریس زبان عربی و فارسی اشتغال داشت. او پایه‌ای از ترجمه‌های شاعرانه خود را از آیات قرآن در سال ۱۸۲۴ میلادی منتشر کرد. این ترجمه به دلیل اهمیت مباحث زبان‌شناسی آن در سال ۱۹۹۵م تجدید چاپ گردید. در اینجا به ترجمه منظوم و فاخر دو سوره قدر و توحید بسنده می‌کنیم (Bobzin, Fischer, 1996:370, 380):

1. David Friedrich Megerlin (1698–1778).

2. Friedrich Rckert (1788–1866).

<p>Sure 97 Die Nacht der Macht</p>	<p>سوره ۹۷ قدر</p>
<p>Wir sandten ihn hernieder in der Nacht der macht. Weißt du, was ist die Nacht der Macht? Die Nacht der Macht ist mehr als was in tausend Monden wird vollbracht. Die Engel steigen nieder und der Geist in ihr, Auf ihres Herrn Gehiß, daß alles sei bedacht. Heil ist sie ganz und Friede, bis der Tag erwacht.</p>	<p>إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَ الرُّوحِ فِيهَا يُأْتِن رَبَّهُمْ مِّن كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ</p>
<p>Sure 112 Bekennniss der Einheit</p>	<p>سوره ۱۱۲ اخلاص</p>
<p>Sprich: Gott ist Einer, Ein ewig reiner, Hat nicht gezeugt und ihn gezeugt keiner, Und ihm nicht gleicht ist einer.</p>	<p>قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ</p>

پرفسور بوبزین در مصاحبه ای تصریح می کند که برای ترجمه قرآن از کار روکرت الهام گرفته بود؛ به طوری که نخست تصمیم داشت آن را کامل کند، اما هم زمان با تجدید چاپ آن در ۱۹۹۵ از این کار منصرف شد و به ترجمه جدید روی آورد. (Bobzin, 2010)

در همین سال ها، پژوهشگران آلمانی برای سهولت دستیابی به کلمات و واژه های قرآن و نیز دستیابی به آیات مربوط به هر موضوع، معجم ها و فهرست های مختلف برای قرآن تدوین کردند. معجمی که گوستاو فلوگل^۱ پدید آورد و آن را با عنوان عربی

1. Gustav Leberecht Flgel (1802– 1870).

نجوم الفرقان فی اطراف القرآن^۱ در سال ۱۸۴۲م در لایپزیگ به چاپ رساند، اولین معجم درباره کلمات قرآن بود و اساس و مبنای همه معجم‌های بعدی همانند: **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم**، **مفتاح کنوز القرآن**، **فتح الرحمن**، **دلیل الحیران فی الکشف عن آی القرآن** و ... قرار گرفت.

۳،۲. **مواجهه جدلی: ادعای بازگشت قرآن به منابع یهودی - مسیحی (قرن ۱۹، ۲۹)**

مطالعه تطبیقی قرآن و کتاب مقدس، در میان موضوعات گوناگون در حوزه علوم قرآنی، همواره با استقبال بیشتر قرآن پژوهان آلمانی مواجه بوده است. در ادامه به پنج مورد از آثار مهم در موضوع سوم، ارتباط قرآن و متون پیشاسلامی اشاره می‌شود:

۱. **عناصر یهودیت در قرآن (Koran im Elemente Jüdische)**، هارتویگ هیرشفلید.^۲

برلین ۱۸۷۸م از منابع مهم او کتاب معروف آبراهام گایگر^۳ **اقتباس‌های قرآن از**

یهودیت (aufgenommen judenthume dem aus Mohammed hat Was?) (بُن

۱۸۳۳م) است. ناگفته نماند که خود کتاب گایگر به‌رغم عنوان جدلی آن، اثری

شاخص به شمار می‌رود و از منابع جدی در مطالعات تطبیقی قرآن و تورات برای

نسل‌های بعدی بوده است. از این‌رو، هرچند برخی دیدگاه‌های گایگر با نگاه سنتی

جامعه اسلامی زاویه داشته باشد، در مجموع اثر او را نمی‌توان کاملاً جدلی شمرد.

۲. **نمادهای هگادایی (تاریخی) در بخش داستانی قرآن (haggadischen Die)**

(Korans des Teil erzählenden im Elemente)، اسرائیل شاپیرو،^۴ فرانکفورت

۱۹۰۷م. در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «نگاه دقیق به قرآن نشان می‌دهد که

1. Concordantiae Corani arabicae, Leipzig 1842.

2. Hartwig Hirschfeld (1854–1934).

3. Abraham Geiger (1810–1874).

4. Israel Schapiro (1882–1957).

همه اندیشه‌های دینی، فقهی و اجتماعی آن به منابع پیشین بازگشت دارد. شخصیت‌های داستانی که بخش اعظمی از سوره‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، همه جزء اعلام مطرح در کتاب مقدس می‌باشند. علاوه بر این روایات تاریخی قرآن نه تنها گزارش مستقیمی از روایات کتاب مقدس نیست، بلکه مملو از اضافات افسانه‌ای می‌باشد». (Schapiro, ۱۹۰۷: ۵) نویسنده در صفحات ۹ و ۱۰ برای مستدل کردن ادعای خود فهرست بلندی از منابع عمدتاً یهودی را ذکر می‌کند. از منابع مهم این کتاب تاریخ قرآن (Qorans des Geschichte) تئودور نولدکه^۱ و کتاب عناصر یهودی قرآن هیرشفلد اشاره کرد.

۳. **یهودیت در اسلام: زمینه‌های توراتی، تلمودی در قرآن و تفاسیر متقابل اسلام و یهود** (Judaism in Islam: Biblical and Talmudic Backgrounds of the Koran and its Commentaries)، اثر ابراهام اسحاق کاتش^۲، چاپ نخست آن در نیویورک به سال ۱۹۶۲م و ویراست سوم آن در ۱۹۸۰م. منتشر شد. وی بیش از بیست کتاب و ده‌ها مقاله که عمدتاً با موضوع تأثیر یهودیت بر آموزه‌های اسلامی و نیز تأثیر کتاب مقدس در شکل‌گیری دموکراسی در آمریکا نوشت است. اما این کتاب او بیشتر بر دو سوره بقره و آل عمران متمرکز است.

۴. **وابستگی‌های قرآن به یهودیت و مسیحیت** (von Quran des Abhängigkeit Die Christentum und Judentum)، اثر ویلهلم رودلف^۳، اشتوتگارت ۱۹۲۲م.

۵. **عناصر مسیحیت در قرآن** (Christliches im Quran) اثر کارل آرنس^۴، لایپزیک

1. Theodor Nldeke (1836–1930).

2. Abraham Isaac Katsh (1906–?).

3. Wilhelm Rudolph (1891–1987).

4. Karl Ahrens, (?).

۱۹۳۰م. نویسنده در سراسر کتاب، تعابیر و مضامین مشترک در قرآن و عهد جدید را اقتباسی می‌خواند و برای همین منظور نمونه‌های متعددی را با کمترین توضیح به مثابه شاهد مثال ذکر می‌کند. برای نمونه در باب آموزه «حیات جدید» به مثابه یک آموزه مسیحی که در رساله‌های پولس (دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۷؛ افسسیان ۶: ۱۰-۱۸) مطرح شده، می‌گوید این موضوع در قرآن با تعبیر «خلق جدید» (إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا) (اسراء: ۴۹، ۹۸؛ سجده: ۱۰) آمده است. به‌رغم اینکه آرنس توجه دارد که «حیات جدید» پولس این جهانی است و از طریق اقتدا به مسیح محقق می‌شود، و تعبیر قرآنی در بافتی متفاوت، یعنی آخرت‌شناسانه است، وی چنین مواردی را نیز اقتباسی می‌شمرد. (Ahrens, 1930: 48)

این آثار جزو شاخص‌ترین منابع مربوط به این حوزه به شمار می‌روند. عموم آنها مبتنی بر همان روش جدلی در قرون وسطی است که صرفاً در قالب و فرمی نو شکل گرفته‌اند.

۴٫۲. آغاز رویکرد همدلانه به قرآن

به نظر می‌رسد رویکرد غیرجدلی در حوزه مورد بحث، در پیوند با جریان نوین ترجمه‌های فنی و دقیق قرآن است که از آغازهای قرن بیستم شروع شده بود. در این میان چهار اثری که در ادامه می‌آیند، ترجمه‌های دقیق و تأثیرگذار شناخته می‌شوند:

۱. ترجمه لازاروس گلدشمیت^۱ با عنوان Le- die heißt das Koran-El: Koran Der sung که به سال ۱۹۱۶م. در برلین منتشر شد. گلدشمیت یک پژوهشگر زبان‌های سامی‌ست و علاوه بر قرآن، اسفار خمسه تورات و بخش‌های از تلمود را نیز به آلمانی ترجمه کرده است. ترجمه قرآن وی متضمن پیوستی (ص ۶۴۷-۶۲۱) در

1. Lazarus Goldschmidt (1871-1950)

توضیح برخی واژگان است. این واژگان فنی در سراسر متن شماره‌گذاری شدند. محتوای توضیحات گلدشمیت در موارد متعددی به جهت تمایل وی به زبان‌های سامی مباحث ریشه‌شناسی و مطالعات تطبیقی با تورات است. برای نمونه وی در پیوست مربوط به آیه «وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (اعراف: ۶۵) هود نبی را با عابر، از نیای ابراهیم در پیدایش ۱۰: ۲۴ تطبیق می‌دهد؛ با این توضیح که یکی از اسامی قوم یهود، عبرانی - عبرانیان (برگرفته از همین واژه عابر) است، اما چون این نام در زمان پیامبر اسلام شناخته شده نبود، و به جای آن همواره واژه «یهودی» را به کار می‌بردند. واژه «هود» در آیه مخفف یهودی است، و به همان فرد اشاره دارد. (Goldschmidt, 1916: 626)

باری، در اینجا مجال بررسی این تحلیل نیست، نیز دیگر دیدگاه‌های گلدشمیت در این پیوست نیاز پژوهش‌های مستقل می‌طلبند. (ر.ک: ادامه در جمع‌بندی)

۲. ترجمه رودی پارت^۱، در اشتوتگارت به سال ۱۹۶۶م. منتشر شد. این ترجمه نیز با استقبال خوب جامعه آلمانی مواجه شد و تا امروز بارها تجدید چاپ شده است. آقای بوبزین در مقدمه بر چاپ ۱۹۸۳ ترجمه پارت را ترجمه‌ای بی‌بدیل دانسته که در کنار ترجمه‌های خوری و روکرت از لحاظ برخورداری از صنایع زبانی آناری فاخرند و جزو مهم‌ترین منابع پژوهش‌های اسلامی در آلمان بوده است.

۳. ترجمه عادل تئودور خوری^۲ نخستین سال انتشار آن در ۱۹۸۷م در اشتوتگارت تا نسخه فعلی آن در ۲۰۰۴م بارها تجدید چاپ شده است.

۴. ترجمه هارتموت بوبزین^۳، در ۲۰۱۰م. مترجم ما استاد مطالعات اسلامی و زبان‌های

1. Rudi Paret (1901–1983)

2. Adel Theodoor Khoury (1930–)

3. Hartmut Bobzin (1946–)

سامی در دانشگاه ارلانگن - نورنبرگ و همچنین عضو آکادمی علمی باواریا است. تاریخ چاپ و نشر قرآن در اروپا از جمله حوزه پژوهش‌های ایشان است. هرکدام از این ترجمه‌ها منبع مهمی برای شناخت قرآن در میان جامعه علمی آلمان هستند و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری جریان چهارم بوده‌اند.

۳. تلاش برای فهم قرآن به مثابه یک متن مشترک در ادیان ابراهیمی

این بخش به بررسی تفسیر سوره بقره اثر آقای برترام اشمیتس (Bertram Schmitz) استاد گروه الهیات در دانشگاه اینا اختصاص دارد. حوزه مطالعاتی ایشان مطالعات تطبیقی ادیان، از جمله ادیان ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام است. برخی آثار این نویسنده پرکار عبارت‌اند از:

۱. **دین و تناسب آن در قلمرو فرهنگ** (im Entsprechungen seine und Religion Bereich interkulturellen)، رساله دکتری، ماربورگ ۱۹۹۶م (۲۱۴ صفحه)؛

۲. **از عبادت در معبد تا عشای ربانی: تغییر یک نماد اصلی از نگاه تحقیقات دینی** (Sicht cher)، مونستر ۲۰۰۶م، (۳۸۲ صفحه)؛

۳. **از یک دین باستانی قوم عبرانی تا سه دین یهودیت، مسیحیت، اسلام** (Von Chris- ,Judentum Religionen Drei Den Zu Israel Alten Des Religion Einen Der Islam Und tentum)، اشتورتگارت، ۲۰۰۹م (۲۴۸ صفحه)؛

۴. **پولس و قرآن** (Koran Der Und Paulus)، گوتینگن، ۲۰۱۰م (۲۱۲ صفحه)؛

۵. **درآمدی بر مطالعات دینی** (Einführung - Religionswissenschaft)، بادن، ۲۰۲۱م (۲۵۸ صفحه).

اما مشخصات کتابشناختی کتاب مورد نظر چنین است:

القرآن: دومین سوره، البقره، یک تفسیر تاریخی. دینی، اشتوتگارت، ۲۰۰۹م، (۳۶۳ صفحه).

6. Der Koran: Sure 2, Die Kuh, Ein religiohistorischer Kommnetar, Bertram Schmitz, stuttgart, 2009.

در ادامه، پس از معرفی ساختار کتاب، به برخی تلاش‌های نویسنده در مباحث بینامتنی اشاره می‌کنیم، سپس مروری به مباحث تطبیقی میان موضوعات سوره بقره و تورات که اشمیتس در قالب دو جدول آورده خواهیم داشت، و در نهایت ملاحظاتی را در مورد نقاط ضعف کتاب برخواهیم شمرد.

۱،۳. ساختار کتاب

سوره بقره: یک تفسیر دینی. تاریخی؛ اثر حاضر به تفسیر متن سوره دوم قرآن در بافت تاریخی کتاب مقدس می‌پردازد. به لحاظ ساختار، کتاب از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل شده است: فصل اول: بررسی آیات ۲-۲۹ (آیات نخست سوره به مثابه مقدمه و معرفی قرآن در جایگاه کتاب هدایت برای مؤمنان)؛ فصل دوم: داستان‌ها (آیات ۳۰-۱۴۱)؛ فصل سوم: محور موضوعی سوره (۱۴۲-۱۶۲)؛ فصل چهارم: دستورات آیینی - فقهی (۱۶۳-۲۸۳)؛ فصل پنجم: جمع‌بندی (۲۸۴-۲۸۶). این تقسیم‌بندی مبتنی بر این فرضیه نویسنده است که اساساً سوره بقره آن‌طور که امروزه چونان یک سوره کامل در مقابل ماست، بر پیامبر نازل نشده، بلکه نزول آن در چند بخش بوده، بعدها هنگام تدوین متن قرآن در عصر خلیفه سوم به شکل موجود درآمده است. باری، اشمیتس در تقسیم‌بندی پنج‌گانه خود از سوره بقره که فصول کتاب نیز بر آن مبتنی‌اند، کوشیده تا حد امکان به واحدهای موضوعی سوره در زمان نزول نزدیک شود.

نویسنده معتقد است سوره بقره به سبب وحدت ساختاری آن نقش اصلی در مواجهه

با دو دین یهودیت و مسیحیت را ایفا می‌کند و متضمن پاسخ‌های بین‌الادیانی در مواجهه با یهودیت و مسیحیت است. (Schmitz, 2009: 9) سوره بقره در جایگاه یک سند تاریخی، دینی، گرانگه بُعد روایی قرآن است. اسلام دین مستقلی است با تورات (تعالیم) خودش و داستان‌ها و شریعتی که خاص خود آن می‌باشد، البته فرم و شکل آن با تورات موسی شباهت دارد. در این میان، سوره بقره نسبت به دیگر سوره‌ها دارای نظام خاصی است. نگارنده تلاش می‌کند در بافت کتاب مقدس به تفسیر سوره بقره بپردازد. (Schmitz, 2009: 11-13)

کتاب حاضر متضمن برخی نوآوری‌ها در موضوع روابط بینامتنی قرآن و کتاب مقدس است که در اینجا به یک مورد اشاره می‌شود. سوره بقره مطابق همان شیوه گزیده‌گویی در دو آیه به ماجرای قتل اشاره می‌کند که خداوند از طریق ذبح یک گاو، بنی‌اسرائیل را به جهت یافتن قاتل راهنمایی می‌کند: «وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ * فَعَلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُخِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (۷۲-۷۳) در منابع تفسیری متقدم و میانه داستانی در ذیل این آیه راه یافته که خاستگاه (احیاناً میدارشی) آن هنوز دانسته نیست؛ کوتاه آنکه عضوی از بدن گاو (زبان یا دم) بر بدن شخص مقتول می‌زدند، مقتول زنده می‌شود و می‌گوید فلانی و فلانی (عموزاده‌هایم) مرا کشتند. سپس می‌میرد و آن دو نیز پس از محرومیت از ارث کشته می‌شوند. (محلّی، سیوطی، ۱۴۱۶ق: ۱/۱۴) گاه نیز به جای بررسی تحلیل آیه، به نقل گمانه‌زنی‌ها راجع به اینکه چه عضوی از حیوان ذبح شده را به بدن مرده می‌زدند، پرداخته شده است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۱/۷۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ۱/۱۳۰) در مقابل، برخی مفسران معاصر نیز آیه را ناظر به آیاتی چون «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» (بقره: ۱۷۹) دانسته‌اند که صرفاً به جهت بیان حکم است، به

۱. نویسنده در اینجا در قالب یک بازی زبانی معنای لغوی این واژه را اراده کرده، چه اینکه واژه تورات، در زبان عبری به معنی تعلیم، آموزش و علم می‌باشد.

عبارتی آیه به اهمیت یافتن قاتل در قوم عبرانی اشاره دارد، نه اینکه واقعاً معجزه‌ای رخ داده باشد. (رضا، ۱۴۱۴ق: ۳۵۱/۱) اما نویسنده به فقراتی از تورات استناد می‌کند که بر اساس آن می‌توان گفت روایت قرآن در واقع تلمیحی به موضوعی با عنوان «قتل نامعین» در سفر تثئیه می‌باشد؛ تفصیل آن به این شرح است:

اگر در زمینی که بیهوه، خدایت، برای تصرفش به تو می‌دهد، مقتولی در صحرا افتاده، پیدا شود و معلوم نباشد که قاتل او کیست، آنگاه مشایخ و داوران تو بیرون آمده، مسافت شهرهایی را که در اطراف مقتول است، بیمایند. و اما شهری که نزدیک‌تر به مقتول است، مشایخ آن شهر گوساله رمه را که با آن خیش نزده، و یوغ به آن بسته‌اند، بگیرند. و مشایخ آن شهر آن گوساله را در وادی‌ای که آب در آن همیشه جاری باشد و در آن خیش نزده، و شخم نکرده باشند، فرود آورند، و آنجا در وادی، گردن گوساله را بشکنند. و بنی‌لاوی کهنه نزدیک بیایند، چون که بیهوه خدایت ایشان را برگزیده است تا او را خدمت نمایند، و به نام خداوند برکت دهند، و برحسب قول ایشان هر منازعه و هر آزاری فیصل پذیرد. و جمیع مشایخ آن شهری که نزدیک‌تر به مقتول است، دست‌های خود را بر گوساله‌ای که گردنش در وادی شکسته شده است، بشویند. و جواب داده، بگویند: «دست‌های ما این خون را نریخته، و چشمان ما ندیده است. ای خداوند قوم خود اسرائیل را که فدیه داده‌ای بیامرز، و مگذار که خون بی‌گناه در میان قوم تو اسرائیل بماند». پس خون برای ایشان عفو خواهد شد. (تثئیه ۲۱: ۸.۱)

به این ترتیب، در یهودیت باستان رسم چنین بوده اگر قتلی اتفاق می‌افتاد و قاتل مشخص نبود، مشایخ قوم یک گاو را با آداب خاصی می‌کشتند و از این خون ریخته شده برأنت می‌کردند. همین دیدگاه در منابع تطبیقی نیز پذیرفته شده است.

۲،۳. تطبیق موضوعات سوره بقره و اسفار خمسه

اشمیتس در یک جدول نسبتاً جامع تناظر میان موضوعات مختلف سوره بقره و عهد عتیق را ترسیم می‌کند. هرچند برخی از این موارد را به طور پراکنده در تفاسیر و متون کلامی می‌توان یافت، همان‌طور که ملاحظه شد، در برخی مقایسه‌ها نوآوری نیز داشته است. جدول به این شکل است:

اسفار خمسه و شماره باب	سوره بقره	موضوع	
پیدایش ۱۱.۱	بقره ۳۸.۳۰	داستان‌های کهن (آفرینش آدم)	۱
پیدایش ۵۰.۱۲	بقره ۱۴۱.۱۲۴	داستان پدران ادیان ابراهیمی (ابراهیم، اسماعیل، یعقوب)	۲
پیدایش ۲۵.۱۲	ایمان ابراهیم	محور موضوعی سوره	۳
پیدایش و تشبیه	بقره ۱۰۱.۴۰	داستان موسی	۴
پیدایش ۶.۱	بقره ۴۹	دوره شکنجه بنی اسرائیل در مصر	۵
پیدایش ۱۵.۷	بقره ۵۰	نجات از مصر	۶
خروج ۲۰	بقره ۵۱	وحی به موسی (الف)	۷
خروج ۲۶	بقره ۵۱	گوساله طلایی	۸
خروج ۳۳	بقره ۵۳	وحی به موسی (ب)	۹
خروج ۳۳	بقره ۵۵	صورت خداوند	۱۰
اعداد ۱۰، اعداد ۲۰	بقره ۶۱، ۵۷	گرسنگی در بیابان سینا (الف)	۱۱
اعداد ۲۰	بقره ۵۰	تشنگی در بیابان سینا	۱۲
اعداد ۲۰	بقره ۶۱	گرسنگی در بیابان (ب)	۱۳

موضوع	سوره بقره	اسفار خمسه و شماره باب
۱۴	بقره ۶۳	خروج ۱۹، اعداد ۱۵، تثنیه ۳۰
۱۵	بقره ۷۳-۶۷	اعداد ۱۹، تثنیه ۲۱

افزون بر این، نویسنده جدولی را به موضوع احکام تشریحی در این سوره که کاملاً در تناظر با سفر تثنیه است، نیز اختصاص می‌دهد:

موضوع	قرآن	تورات: سفر تثنیه
۱	بقره ۱۴۲-۱۶۷	تثنیه باب ۱۲
۲	بقره ۱۶۸-۱۷۶	تثنیه باب ۱۴
۳	بقره ۱۸۳-۱۸۷ / ۱۸۹-۲۱۹	تثنیه ۱۶ (ولویان ۲۳)
۴	بقره ۲۲۱-۲۴۲	تثنیه باب ۲۱ و ۲۴ ب.
۵	بقره ۲۶۱-۲۷۴	تثنیه ۲۶

همین‌طور در ادامه به تطبیق موضوع قصاص در سوره بقره و سفر خروج باب ۲۱، نیز مسائل ارث در بقره آیات ۱۸۰-۱۸۲ اشاره می‌کند. در باب احکام مرتبط با طهارت در هنگام زیارت و تشریف به خانه خدا (بقره: ۱۹۶)، و دستورات مربوط به «نذیره» در سفر اعداد باب ۶ به ذکر شباهت‌های دو متن می‌پردازد. در نهایت، از نگاه اشمیتس، چون این شباهت‌ها محدود به مباحث محتوایی نیست، بلکه بعد صوری را نیز دربرمی‌گیرد، می‌توان سوره بقره را تورات دوم (als zweite Tora) خواند. (Reyn=۳۵۴ :olds, 2018)

۳،۳. ملاحظات دربارۀ کتاب اشمیتس

شکی نیست که مطالعات قرآنی نیازمند چنین تلاش‌هایی برای دست‌یابی به پیشینه

روایات تاریخی قرآن در عصر حاضر است تا شناخت عمیق‌تر را فراهم کند. اما نباید از تفاوت‌های بنیادین دو متن نیز چشم‌پوشی کرد. اشمیتس معتقد است تمام ۲۸۶ آیه سوره بقره را از منظر کتاب مقدس می‌توان فهمید، اما درعین حال او نسبت به برخی تفاوت‌ها و حتی دوگانگی‌ها میان این دو متن به سادگی عبور می‌کند. این موضوع در سال‌های اخیر مرکز توجه بسیاری از پژوهشگران بوده و با اندک جست‌وجو در اینترنت به مقاله‌های متعددی می‌توان دست یافت که به شباهت‌ها و تفاوت‌های روایت‌های قرآن، مثلاً از داستان آفرینش پرداخته‌اند. در اینجا نیز نیازی به تکرار آن مطالب نیست، اما اجمالاً به سه مورد از تفاوت‌های مهم این دو متن اشاره می‌شود:

الف) آفرینش آدم بر صورت و شبیه خداوند؛ موضوعی که تورات به آن تصریح دارد (پیدایش ۱: ۲۶)، اما در قرآن سخنی از آن به میان نیامده است؛

ب) نحوه آفرینش آدم و حوا؛

ج) درخت ممنوعه؛ در روایت قرآن، می‌توان گناه آدم و حوا را حمل بر یک عمل صرفاً کنجکاوانه حمل کرد، اما موضوع در تورات به کلی چیز دیگری است؛ در روایت سفر پیدایش سخن از درخت معرفت نیک و بد به میان آمده: «و خداوند خدا آدم را امر فرموده، گفت: «از همه درختان باغ بی ممانعت بخور* اما از درخت معرفت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هرآینه خواهی مرد»» (۲: ۱۷، ۱۶)، و در ادامه موضوع ابعاد الهیاتی مهم‌تری پیدا می‌کند: «و خداوند خدا گفت: «همانا انسان مثل یکی از ما شده است که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده ماند»». (۳: ۲۲)

باری، هرچند نویسندگان تصریح کرده که تفسیر حاضر در واقع لیبکی است به دعوت

آقای والتر بلتست^۱ که در کتاب خود **مقایسه ادیان** در رابطه با اسطوره‌شناسی قرآن گفته: «هنوز یک تفسیر تاریخی. دینی برای قرآن نوشته نشده است»؛ (Schmitz, 2009: 13) اما باید توجه داشت که در چنین تفسیری نیز باید برای اختلاف‌های اساسی دو متن تحلیل‌هایی ارائه داد.

۴. نتیجه‌گیری

زبان آلمانی متضمن یکی از غنی‌ترین و فنی‌ترین منابع در حوزه مطالعات قرآن پژوهی است. وجود بیش از پنجاه ترجمه قرآن به این زبان، به روشنی بر غنای این حوزه دلالت دارد. باید توجه داشت که بسیاری از این ترجمه‌ها به سبب انبوهی پاورقی یا پیوست‌های مفصل، در واقع متضمن نکات تفسیری نیز هستند که می‌توانند منبع الهام برای پژوهشگران نسل‌های بعدی باشند. نگارنده پیش‌تر در مقاله «تفسیر بینامتنی از آیه ۶۹ سوره احزاب بر اساس ترجمه‌های آلمانی و عبری قرآن» به تفصیل به نمونه‌ای در ترجمه ساموئل گونتر وال اشاره کرده است. (عیوضی، ۱۳۹۶: ۹۶) در اینجا به چند نمونه دیگر در قالب بایسته پژوهشی اشاره می‌شود:

۱. پیوست ترجمه گلدشمیت به سبب علاقه و دانش مترجم به زبان‌های سامی، متضمن نکات فقه اللغه در مورد برخی واژگان قرآن است که شایسته بررسی بیشتر است.

۲. برخی آیات فقهی قرآن که اصطلاحاً «آیات الاحکام» خوانده می‌شوند، مشخصاً آیه ۳۴ سوره نساء (آیه نشوز) امروزه از ابعاد گوناگونی مانند حقوق زنان در اسلام و جنبش‌های فمینیستی به طور خاص مرکز توجه قرار گرفته؛ در این باره ترجمه‌های آلمانی قرآن، به طور خاص در یک قرن اخیر با توجه به رویکردهای مترجمان متضمن تحولاتی است که بررسی آنها می‌تواند بر مسائل متعددی پرتو افکند.

۳. اهتمام به بازنویسی ترجمه‌ها؛ یکی از سنت‌های خوب در میان مترجمان آلمانی قرآن بازنویسی برخی ترجمه‌های متقدم است. برخی پژوهشگران به جای ارائه ترجمه جدید، به احیا و بازنویسی ترجمه‌های پیشین اهتمام می‌ورزند. در اینجا اجمالاً به نسخه بازنویسی ساموئل فردریش گونتر وال^۱ از ترجمه فریدریش بویزن^۲ اشاره می‌کنیم. ترجمه ابرهارد بویزن با عنوان **القرآن یا کتاب قانون مسلمانان** (oder, Koran Der Moslemer die für Gesetz das) در ۱۷۷۳ م. انتشار یافت، نسخه بازنویسی گونتر وال نیز با همین عنوان در ۱۸۲۸ م. منتشر شد. در این نسخه جدید نکات و توضیحات بویزن با حرف B و افزوده‌های گونتر وال با W مشخص شده است. از منتقدان جدی همین نسخه بازنویسی شده وال، به طور خاص از بُعد معادل‌گذاری باید از استاد زبان عربی در دانشگاه لایپزیگ، هاینریش فلایشر^۳ نام برد.

۴. مقدمه‌های ترجمه‌های آلمانی در دوره میانه به مثابه یک رساله ردیه‌نویسی؛ به لحاظ محتوایی برخی از این مقدمه‌ها اساساً یک ردیه مسیحی بر اسلام محسوب می‌شوند و شایسته بررسی فنی هستند، از جمله مقدمه گونتر وال.

۵. راه‌اندازی رشته ترجمه‌پژوهی قرآن؛ راقم این سطور در سال‌های اخیر در مقاله‌های متعددی به ضرورت راه‌اندازی رشته ترجمه‌پژوهی قرآن در مقطع دکتری پرداخته است. (عیوضی، ۱۴۰۰: ۱۶۰) همان‌طور که ترجمه‌های آلمانی قرآن متضمن انبوهی مباحث تفسیری. لغوی‌اند، ترجمه‌های عبری قرآن نیز به جهت انبوهی پاورقی‌ها و مقدمه و پیوست‌های مختلف، تفاسیر ناشناخته یهودی‌اند که بررسی آنها به بالندگی قرآن‌پژوهی در جامعه عملی ما کمک خواهد کرد.

1. Samuel Friedrich Gnther Wahl, 1760–1834.

2. Friedrich Eberhard Boysen, 1720– 1800.

3. Heinrich Leberecht Fleischer, 1801–1888.

۶. بررسی دستاوردهای تفسیری برترام اشمیتس در تفسیر سوره بقره. به نظر می‌رسد، رویکرد اشمیتس در این اثر متضمن بن‌مایه‌هایی در تفسیر بینامتنی قرآن و تورات است. همان‌طور که ملاحظه شد خود نویسنده برخی را بسط داده، اما کماکان بسیاری دیگر شایسته بررسی بیشتر است.

منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). **زاد المسیر فی علم التفسیر**. بیروت: دار الکتب العربی.
۲. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). **معالم التنزیل**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳. رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴ق). **تفسیر المنار**. بیروت: دار المعرفة.
۴. ذاکرزاده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). «دوره رمانتیک در آلمان»، **پژوهشنامه علوم انسانی**، ش ۳۷، ص ۳۶، ۱۳.
۵. عیوضی، حیدر. (۱۳۹۶). «تفسیر بینامتنی از آیه ۶۹ سوره احزاب بر اساس ترجمه‌های آلمانی و عبری قرآن». **مطالعات قرآن و حدیث**. ش ۲۱، ص ۱۰۹، ۷۸.
۶. عیوضی، حیدر. (۱۴۰۰). «ترجمه‌های عبری قرآن به مثابه تفاسیر ناشناخته یهودی: نسخه بازنویسی اوری روبین». **آینه پژوهش**. ۱۹۱، ص ۱۶۰، ۱۵۱.
۷. کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۹۱). **کتابشناسی مطالعات قرآنی در زبان‌های اروپایی**. تهران: ترجمان وحی.
۸. محلی، محمد احمد؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۱۶ق). **تفسیر جلالین**. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
9. Ahrens, Karl. (1930). *Christliches im Qoran*, leipzig.
10. Bobzin, Hartmut. (1995). *Der Koran im Zeitalter der Reformation*. Stuttgart. Beirut.
11. Bobzin, Hartmut; Fischer, Wolfgang. (1996). *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*. Würzburg: Ergon-Verlag.
12. Bobzin, Hartmut. (2010): www.boersenblatt.net/387100/.
13. Goldschmidt, Lazarus. (1946). *Der Koran: El-Koran das heißt die Lesung*. Berlin: Brandusche Verlagsbuchhandlung.
14. Reynolds, Gabriel Said. (2018). *The Qur'ān and the Bible*. Yale Uni. Press.
15. Schapiro, Israel. (1907). *Die haggadischen Elemente im erzählenden Teil des Korans*. Frankfurt.

16. Schmitz, Bertram. (2009). Der Koran: Sure 2, Die Kuh, Ein religiohistorischer Kommentar. Stuttgart: Kohlhammer.
17. Boysen, Friedrich Eberhard, (1773), Der Koran, oder das Gesetz für die Moslemer, Halle.
18. Wahl, Samuel Friedrich Günther, (1828), Der Koran, oder das Gesetz für die Moslemer, Leipzig.